

تعیین جهات بهینه توسعه شهر بر اساس پارامترهای محیطی (مورد: شهر بابلسر)

عزت‌اله قنوازی^{1*}، آزاده عظیمی²، امین فرجی ملایی³

- 1- دانشیار ژئومورفولوژی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ایران
- 2- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران
- 3- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران

دریافت: 90/2/11 پذیرش: 90/8/4

چکیده

هدایت و تعیین جهت رشد کالبدی شهر یکی از اصولی‌ترین مسائل مرتبط با مباحث توسعه پایدار با هدف بهینه‌سازی رشد شهر است. از آنجایی که زمین‌های پیرامونی شهر به‌ویژه در شهرهای ایران به‌عنوان محیط پشتیبان شهر مورد توجه‌اند و در عین حال، بخش بسیاری از شهرهای ایران در پسکرانه زمین‌های کشاورزی ایجاد شده‌اند؛ بنابراین توجه به تعیین جهتی برای رشد کالبدی شهر - که در آن به زمین‌های کشاورزی کمترین آسیب وارد شده و در ارتباط با سایر پارامترهای طبیعی چون گسل و ساختار زمین‌شناسی، جهت باد، سطوح آب‌های زیرزمین و غیره نیز بهترین شرایط را داشته باشد - یکی از مسائل مهم در مفاهیم نظری برنامه‌ریزی محیطی است. هدف این مقاله، بررسی و تعیین بهترین جهات رشد کالبدی شهر بابلسر بر مبنای مجموعه پارامترهای طبیعی مانند سطوح آب‌های زیرزمینی، گسل و ساختار زمین‌شناسی، زمین‌های کشاورزی، جهت باد و حریم آبراه است. برای تعیین جهت بهینه رشد کالبدی شهر بابلسر، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و ELECTRE استفاده شده است. در این روش‌ها پنج گزینه یعنی محور غربی، شرقی، جنوبی، جنوب‌شرقی و جنوب‌غربی بر مبنای شاخص‌های پنج‌گانه بررسی شده‌اند. نتایج محاسبات نشان می‌دهد دو محور غربی و شرقی بیشترین اولویت را جهت هدایت رشد کالبدی شهر بابلسر دارند.

واژه‌های کلیدی: جهت بهینه، پارامترهای محیطی، AHP، electre، بابلسر.

1- طرح مسئله

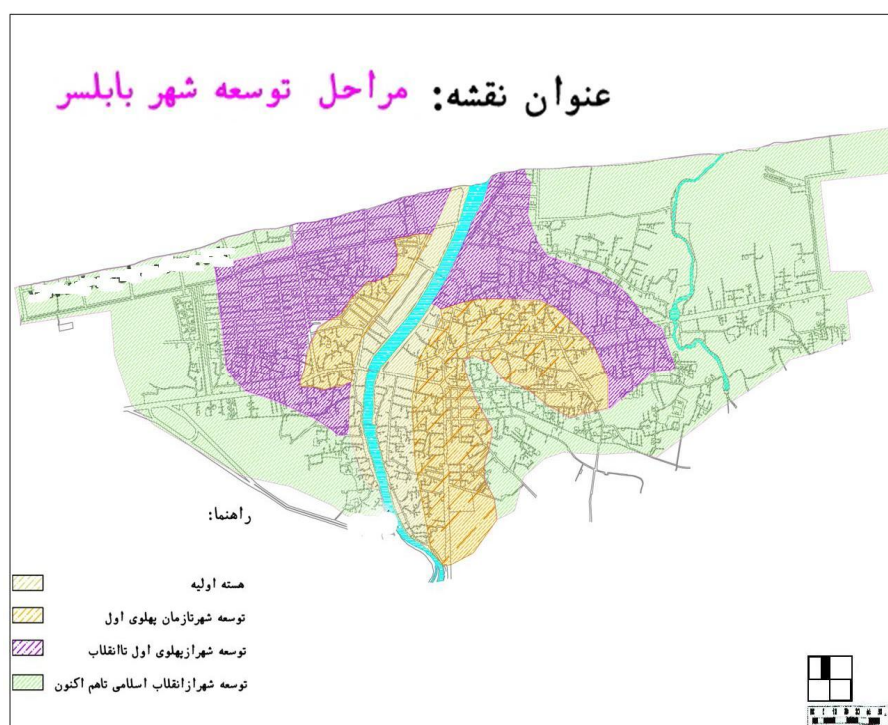
شکل‌گیری و پیدایش شهرها به‌عنوان موجودی زنده، در بستری طبیعی صورت می‌گیرد که در مفاهیم نظری برنامه‌ریزی شهری، از آن به‌مظروف ظرف شهر (رهنمایی و شاه‌حسینی، 1387) یاد می‌کنند. شهرها در طول زمان و متناسب با روند رشد جمعیتی خود در ابعاد کالبدی رشد کرده، زمین‌های پیرامون خود را زیر ساخت‌وساز راه‌ها و انواع مختلف کاربری می‌برند. در عین حال، عواملی مثل بورس‌بازی زمین و معاملات قمار زمین به توسعه ناموزون شهرها منجر می‌شود (شکویی، 1373: 2). در این میان از آنجایی که بخش چشمگیری از شهرهای ایران در بستری طبیعی با پسرانه کشاورزی شکل گرفته‌اند، در نظر گرفتن مجموعه‌اصولی با هدف هدایت توسعه فیزیکی شهر، یکی از ضروریات بنیادین به‌منظور حفظ زمین‌های کشاورزی و شکل‌گیری شهر در محیطی با کمترین خطر و آسیب ممکن است. تعیین نوع رشدی که هر زمینی ممکن است داشته باشد، بر محور ارزیابی زیست‌محیطی صورت می‌گیرد (مخلوم، 1372: 16). درواقع، بررسی و مطالعه مکان بهینه برای فعالیت‌های مختلف در یک بهینه جغرافیایی، این امکان را به جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان می‌دهد تا بر مبنای پارامترهای مطالعه‌شده انتخاب صحیحی برای ایجاد نوع خاصی از فعالیت داشته باشند (سرور، 1383: 20).

بررسی روند رشد کالبدی شهرهای ایران در دهه‌های گذشته، حاکی از تخریب گسترده زمین‌های کشاورزی بر اثر رشد افقی بدون هدایت بهینه در راستای حفاظت زمین‌های کشاورزی است. درواقع، تعیین جهت بهینه توسعه شهری تلاشی است برای حفاظت از منطقه پشتیبان شهر که به‌نحوی تأمین‌کننده اکوسیستم شهری است.

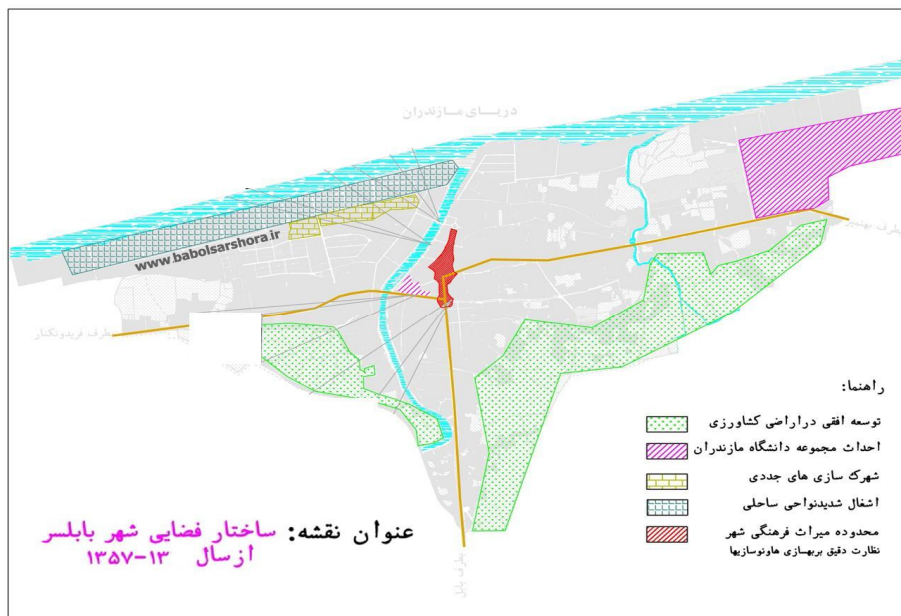
تحلیل و ارزیابی عوامل اساسی برای توسعه کالبدی شهرها یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان شهری است. در شرایطی که در اغلب شهرها توسعه کالبدی روندی سریع و فزاینده دارد، شناخت و مکان‌یابی زمین‌های مناسب برای توسعه کالبدی شهرها بسیار ضروری است. در این مقاله، با استفاده از مدل AHP¹ و electre، شاخص‌ها و عوامل اساسی‌ای را که باید برای مکان‌یابی گسترش شهرها در نظر گرفت، در شهر بابل‌سر بر پایه پنج معیار: سطح آب‌های زیرزمینی، نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی، زمین‌های کشاورزی، جهت باد و حریم آبراه ارزیابی کرده‌ایم.

1. analysis hierarchical process

بررسی روند گسترش فیزیکی شهر بابلسر - آن‌چنان که در شکل شماره یک نشان داده شده - حاکی از رشد چشمگیر شهر در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. شرایط اضطرار و نیز مهاجرت‌های گسترده به شهر بابلسر به رشد کالبدی شهر، بدون توجه به ضابطه و اصول شهرسازی، منجر شده و عامل ارزش اقتصادی زمین مبنای تعیین‌کننده در مکان‌گزینی اقشار کم‌درآمد در مناطق نامساعد شهری (از نظر اصول شهرسازی) شده است. درواقع، افراد مهاجر و گروه کم‌درآمد نواحی پیرامونی شهر را - که به علل مختلف مانند بالا بودن آب‌های زیرزمینی، کشاورزی بودن زمین‌ها، نزدیکی به آبراه‌ها و غیره ارزش پایینی از نظر اقتصادی داشته - تصرف کرده و موجب تخریب چندین هکتار از زمین‌های مرغوب کشاورزی شده‌اند. بر اساس شکل شماره دو، ساختار فضایی شهر بابلسر به‌نحوی شکل گرفته که بخش زیادی از زمین‌های کشاورزی را تخریب کرده است.



شکل 1 مراحل و روند توسعه کالبدی شهر بابلسر



شکل 2 ساختار فضایی شهر بابلسر و تخریب زمین‌های کشاورزی

2- پیشینه مطالعاتی

دربارۀ تعیین جهت بهینه توسعه شهر و مکان‌یابی‌ها و انتخاب بهترین مکان‌ها برای اهداف مختلف، پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: الدین و الدراندلی¹ (2004) برای تعیین مکان بهینه به منظور تسهیلات خاصی، سیستم جدیدی ارائه کردند. در این سیستم به‌کارگیری فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) از طریق کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی یکپارچه شده است. این سیستم دو ابزار اصلی AHP و GIS را به‌کار می‌گیرد. در سال 2002م و استاو و ناسوات در پژوهشی با عنوان «مکان‌یابی محل دفن زباله در اطراف شهر رانسی با استفاده از RS² و GIS»، با درنظر گرفتن معیارهایی مانند زمین‌شناسی و گسل‌ها، شیب زمین، نوع سنگ مادر و خاک، آب‌های سطحی و عمق آب زیرزمینی، مرز شهری، شبکه ارتباطی موجود، فاصله از فرودگاه و... و وزن‌دهی به شاخص‌ها از طریق

1. Eldin & Eldrandly

2. remote sensing

مقایسه‌های زوجی، پنج محل مجزا در اندازه‌های مختلف را جهت دفن زباله این شهر 500 هزار نفری انتخاب کردند (به نقل از حسام، 1389).

تاشین و پارکر¹ (1993) در مطالعه خود به بررسی راهکارها و روش‌هایی پرداختند که بتوان بر مبنای آن، بهترین جهت توسعه شهری را تعیین کرد. گوپتا و احمد² (1999) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ژئومورفولوژی و مناطق شهری حاره³» شاخص‌هایی مانند دشت سیلابی، باتلاق‌های ساحلی، شیب‌های تند، تپه‌های ماسه‌ای، مجاورت با گسل، کمربند حاره‌ای و فرونشینی حاصل از برداشت بیش از حد منابع آب در تعیین جهت توسعه شهری را بررسی کردند. برخی پژوهش‌ها هم به نوع کاربری (زمین کشاورزی، زمین‌های آلوده و...) در تعیین جهت بهینه شهر اشاره کرده‌اند (Hashiba et al., 1998; Ulbrich and Heckendorff, 1998).

در ایران هم درباره روندها و جهات رشد توسعه فیزیکی شهر و تعیین جهت بهینه آن پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم: عبدالامیر کرم (1384) پژوهشی با عنوان «تحلیل تناسب زمین برای توسعه کالبدی در محور شمال‌غرب شیراز با استفاده از رویکرد ارزیابی چندمعیاری (MCE)⁴ در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی» انجام داده و از معیارهایی مانند شیب، قابلیت زمین، فاصله از شهر و راه‌های اصلی و... استفاده کرده است. علی‌اصغر نظریان و سیمین تولایی نیز (1385) در پژوهشی با عنوان «تعیین جهت توسعه فیزیکی شهر اندیمشک با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای (RS) و سیستم اطلاعات جغرافیایی»، با استفاده از عواملی که در پیش‌بینی جهت توسعه شهر در نظر گرفته می‌شوند (مانند فاصله از شهر، فاصله از جاده، فاصله از مراکز صنعتی، وجود خطوط گسل، شیب، ناهمواری‌ها و مسیل) اقدام به تعیین جهت گسترش شهر اندیمشک کرده‌اند. هادی سلیمانی مقدم نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی تحولات کالبدی شهر مشهد به تعیین جهات بهینه گسترش آن با استفاده از RS-GIS* به این نتایج دست یافته است:

1- مهم‌ترین عوامل رشد کالبدی شهر مشهد طی سال‌های 1310-1385 عوامل طبیعی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولتی، از جمله طرح‌های جامع شهر بوده است.

1. Tashin & Parker

2. Gupta & Ahmad

3. "geomorphology and urban tropics"

4. multiple criteria evaluation



2- جهات گسترش شهر در دوره مورد مطالعه، مطلوب برنامه طرح جامع شهر نبوده است. شهر در جهت شمال و شمال شرق رشد بسیار سریعی داشته است و زمین‌های بایر و مرغوب کشاورزی را به زیر ساخت‌وساز برده است.

3- جهات مناسب برای رشد پیوسته آینده شهر، شمال غرب و غرب بوده است و عواملی مانند نامرغوب بودن زمین‌های کشاورزی، دور بودن از گسل‌ها، شیب مناسب، آب و هوای معتدل و دسترسی مناسب به شبکه راه‌ها در این امر تأثیرگذار است.

در مقاله مظفری و اولی‌زاده (1387) نیز با عنوان «بررسی وضعیت توسعه فیزیکی شهر سقز و تعیین جهات بهینه توسعه آتی آن»، از توابع تحلیلی نظیر هم‌پوشانی، اشتراک دو مجموعه، ادغام و برش در سیستم اطلاعات جغرافیایی به‌منظور تعیین جهات بهینه استفاده شده است.

3- روش‌شناسی

در این مقاله، از روش‌های تحلیل آماری به‌صورت توصیفی - تحلیلی با هدف تعیین بهترین جهات رشد آتی شهر بابلسر بهره برده‌ایم. برای تعیین جهت رشد بهینه، از پنج شاخص مؤثر در رشد شهر بابلسر استفاده کرده‌ایم. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: سطح آب‌های زیرزمینی، نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی، زمین‌های کشاورزی، جهت باد و حریم آبراه. مهم‌ترین علل استفاده از این شاخص، اهمیت آن‌ها در توسعه فیزیکی شهر است. برای تعیین جهت رشد بهینه از دو روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و نیز روش تحلیل چندمعیاره electre استفاده کرده‌ایم. از روش AHP فقط برای تعیین وزن شاخص‌ها استفاده شده و نمره‌دهی در این روش، برگرفته از نمره‌های استخراجی از روش دلفی¹ است.

4- تشریح روش‌های استفاده‌شده

4-1- روش دلفی

در روش دلفی از قضاوت خبرگان دانشگاهی (اعضای هیئت علمی دانشگاه مازندران) استفاده شده است. این روش برای تفکیک و شکستن موضوعات به ابعاد ریزتر، دارای کاربرد زیادی

1. delphi method

است و امکان سناریوی تحقیق را فراهم می کند (Eto, 2003: 239). مراحل روش دلفی به این شرح است: 1- تدوین چارچوب کلی تحقیق؛ 2- تعیین جامعه کارشناسان بر اساس تخصص؛ 3- ارسال پرسش نامه ها در چند مرحله متوالی؛ 4- استخراج الگوی مورد تأیید تمام متخصصان (Dalkey, 1969: 73; Cuhls et al., 2002: 21).

2-4- روش AHP

در روش AHP، برای تعیین اهمیت (وزن) شاخص ها می بایست آن ها را دوبه دو با یکدیگر مقایسه کرد. مبنای قضاوت در این مقایسه، جدول نه کمیتی ای است که بر اساس آن و با توجه به هدف بررسی، شدت برتری شاخص I نسبت به شاخص J تعیین می شود. به این ترتیب، برای n شاخص تعداد $\frac{n(n-1)}{2}$ (رابطه 1) مقایسه صورت خواهد گرفت. در جدول شماره یک معیارهای دوبه دو شاخص ارائه شده است.

جدول 1 جدول نه کمیتی مقایسه دودویی شاخص ها

ارزش	تعریف	توضیح
1	ارزش برابر ¹	در تحقق هدف دو شاخص اهمیت مساوی دارند.
3	ارزش کمی بیشتر ²	تجربه نشان می دهد برای تحقق هدف اهمیت I بیشتر از J است.
5	ارزش بیشتر ³	تجربه نشان می دهد برای تحقق هدف اهمیت I بیشتر از J است.
7	ارزش بسیار بیشتر ⁴	تجربه نشان می دهد برای تحقق هدف اهمیت I بسیار بیشتر از J است.
9	ارزش مطلق ⁵	اهمیت خیلی بیشتر I نسبت به J به طور قطعی به اثبات رسیده است.
8 یا 4، 2، 6	ترجیحات بینابین (حالت میانه)	

1. equally preferred
2. moderately preferred
3. strongly preferred
4. very Strongly preferred
5. extremely preferred

(منبع: saaty, 1990 به نقل از زبردست، 1380)

مقایسه دودویی در یک ماتریس $n \times m$ با عنوان ماتریس دودویی شاخص‌ها ثبت می‌شود (Bowen, 1993: 346). عناصر این ماتریس همگی مثبت بوده و با توجه به اصل شروط معکوس در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (اگر اهمیت i نسبت به j برابر $\frac{1}{k}$ باشد، اهمیت عنصر j نسبت به i برابر k خواهد بود)، دو مقدار عددی a_{ij} و $\frac{1}{a_{ij}}$ را به‌خود اختصاص خواهد داد (Saaty, 1990).

3-4- روش electre

روش electre فرایندی غیررتبه‌ای است که در آن، ارزش‌ها به یک گزینه اطلاق نمی‌شود (Belton & Stewart, 2002). مفهوم غیررتبه‌ای را اولین بار برنارد روی¹ مطرح کرد و توانست بنیان‌های این روش را ارائه دهد (Pardalos et al., 1995). بر مبنای تحلیل‌های روی (1974)، غیررتبه‌ای نوعی رابطه دوتایی است که با S نشان داده می‌شود و بیانگر این است که هرگاه بین a و b رابطه وجود داشته باشد، این زمینه را فراهم می‌کند که محققان با داشتن یک مورد به قضاوت در این باره بپردازند که a با اندازه b صلاحیت دارد (Cavallaro, 2010: 464). روش‌هایی که بر این نوع تفکر استوارند، به مکتب فرانسوی² شهرت دارند. تکنیک TRI، IS، II، III، IV و ELECTREI نمونه‌ای از مکتب فرانسوی هستند (Figueira et al., 2005). تکنیک electre در برنامه‌ریزی محیطی، مطالعات جغرافیایی و غیره به‌طور گسترده کاربرد دارد (Montano-Guzman, 2000; Diakoulaki et al., 2000).

پس از تعیین وزن هر شاخص نسبت به شاخص دیگر، برای تعیین جهت بهینه توسعه شهر بابلسر از روش electre استفاده کرده‌ایم (اصغرپور، 1387):

- در نخستین گام، ماتریس تصمیم‌گیری به ماتریس بی‌مقیاس تبدیل می‌شود. این کار با استفاده از رابطه (2) صورت می‌گیرد:

1. Bernard Roy
2. french school

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}} \quad \text{رابطه (2):}$$

- با استفاده از بردار وزن‌ها W نسبت به تشکیل ماتریس بی‌مقیاس وزن‌ها اقدام می‌شود.
- مجموعه شاخص‌های موجود را به دو مجموعه متمایز هماهنگی SKI و ناهماهنگی DKI طبقه‌بندی می‌کنیم. مجموعه هماهنگی SKI از گزینه‌های A1 و AK مشتمل بر تمام شاخص‌هایی خواهد بود که AK بر A1 ترجیح داده می‌شود و رابطه (3) در آن برقرار است:

$$S_{KL} = \{j | r_{kj} \geq r_{ij}\} \quad \text{رابطه (3):}$$

مجموعه ناهماهنگی DKI مجموعه‌ای مکمل است که برای آن رابطه (4) برقرار باشد:

$$D_{KL} = \{j | r_{kj} \geq r_{ij}\} = J - S_{kl} \quad \text{رابطه (4):}$$

- محاسبه ماتریس هماهنگی، معیار هماهنگی برابر با مجموع وزن‌های شاخص‌هایی است که مجموعه SK, L را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین معیار هماهنگی IK, L بین AK و A1 به شکل زیر تعریف می‌شود (رابطه 5):

$$I_{kl} = \sum_{j \in SK, L} w_j ; \sum_{j=1}^n w_j = 1 \quad \text{رابطه (5):}$$

ارزش‌های متوالی از معیارهای IK, L که در آن $k, l=1, 2, \dots, m$ است، تشکیل ماتریس نامتقارن هماهنگی را به نام I و به شکل رابطه (6) نشان می‌دهند.

$$I = \begin{vmatrix} - & I_{1,2} & I_{1,3} & \dots & I_{1,m} \\ I_{1,2} & - & I_{2,3} & \dots & I_{2,m} \\ . & . & - & \dots & . \\ . & . & . & \dots & . \\ . & . & . & - & . \\ I_{m,1} & I_{m,2} & \dots & I_{m,(m-1)} & - \end{vmatrix} \quad \text{رابطه (6):}$$

• محاسبه ماتریس ناهماهنگی معیار L , NIK - که معیار ناهماهنگی نامیده می‌شود - نشان‌دهنده شدت بدتر بودن ارزیابی AK در رابطه با AL است. این معیار با استفاده از عناصر ماتریس امتیازات وزین شده V محاسبه می‌شود. نحوه محاسبه آن به این صورت است که با استفاده از مجموعه ناهماهنگی DKI و با استفاده از رابطه (7) مقدار معیار محاسبه می‌شود (اصغرپور، 1385؛ مؤمنی، 1387):

$$NI_{k,l} = \frac{\max_{j \in D} |V_{kj} - V_{lj}|}{\max_{j \in J} |V_{kj} - V_{lj}|} \quad \text{رابطه (7)}$$

و پس از محاسبه مقدار این معیار، ماتریس ناهماهنگی به‌ازای تمام مقایسات زوجی از رابطه (8) حاصل می‌شود:

$$NI = \begin{bmatrix} - & NI_{1,2} & \dots & NI_{1,m} \\ NI_{2,1} & - & \dots & NI_{2,m} \\ \vdots & \vdots & - & \vdots \\ NI_{m,1} & & NI_{m(m-1)} & - \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (8)}$$

• در این مرحله، ماتریس هماهنگی مؤثر ایجاد می‌شود. شیوه کار به این صورت است که ارزش‌های IK_1 از ماتریس هماهنگی نسبت به یک ارزش آستانه سنجیده می‌شود تا شانس برتر بودن AK و $A1$ بهتر مورد بررسی قرار گیرد. اگر این شانس از یک حداقل آستانه بر طبق رابطه (9) زیاده‌تر شود، بیشتر خواهد شد.

$$I_{k,l} \geq \bar{I} \quad \text{رابطه (9)}$$

حداقل آستانه را می‌توان از رابطه (10) به‌دست آورد:

$$\bar{I} = \sum_{k=1}^m \sum_{L=1}^m I_{k,l} / m(m-1) \quad \text{رابطه (10)}$$

بر اساس حداقل آستانه، یک ماتریس بولین F که عناصر آن را صفر و یک تشکیل می دهند، بر مبنای رابطه (11) تشکیل می شود:

$$f_{kl} = 0 \longrightarrow I_{kl} \geq \bar{I} \quad f_{kl} = 1 \longrightarrow I_{kl} \geq \bar{I} \quad \text{رابطه (11):}$$

هر عنصر یک در ماتریس هماهنگ مؤثر F از ماتریس ناهماهنگ نیز نسبت به یک ارزش آستانه سنجیده می شود. این ارزش آستانه را $\overline{NI}$ می نامیم که از رابطه 12 محاسبه می شود:

$$\overline{NI} = \sum_{k=1}^m \sum_{L=1}^m NL_{k,l} / m(m-1) \quad \text{رابطه (12):}$$

پس از آن، یک ماتریس بولین G با نام ماتریس ناهماهنگ مؤثر تشکیل می شود. برای تشکیل این ماتریس از رابطه (13) استفاده می کنیم.

$$g_{kl} = 0 \longrightarrow NI_{kl} \geq \overline{NI} \quad g_{kl} = 1 \longrightarrow NI_{kl} \geq \overline{NI} \quad \text{رابطه (13):}$$

مشخص کردن ماتریس کلی و مؤثر برای تشکیل این ماتریس عناصر مشترک 1، hK ، بنابر رابطه (14) از دو ماتریس G ، F استخراج می شود و یک ماتریس کلی H تشکیل می شود.

$$h_{k,l} = f_{k,l} . g_{k,l} \quad \text{رابطه (14):}$$

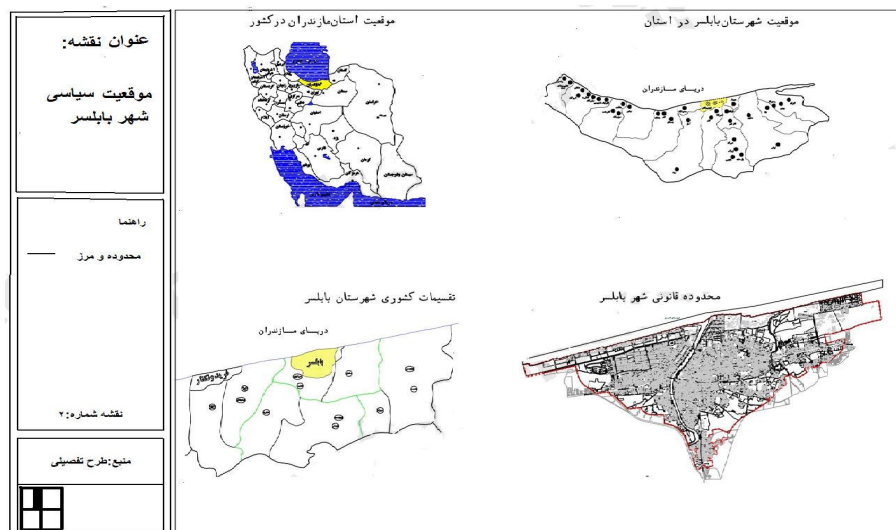
آخرین گام در روش *electre*، حذف گزینه های کم جاذبه است. ماتریس کلی H نشان دهنده ترتیب ارجحیت های نسبی از گزینه هاست. بنابراین، شرط آنکه AK با استفاده از این روش یک گزینه مؤثر باشد، از رابطه زیر به دست می آید:

$$\text{رابطه (15):}$$

$$\begin{aligned} h_{k,l} = 1 &\longrightarrow \text{برای حداقل یک } l = 1, 2, \dots, m; k \neq l \\ h_{k,l} = 0 &\longrightarrow \text{برای حداقل یک } l = 1, 2, \dots, m; i \neq k, i \neq 1 \end{aligned}$$

5- معرفی منطقه مورد مطالعه

بابلسر با مساحت 1350 هکتار در مصب رودخانه بابلرود و در کرانه جنوبی دریای خزر و در 52 درجه و 39 دقیقه و 30 ثانیه طول جغرافیایی و 36 درجه و 43 دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد (وزارت مسکن و شهرسازی، 1384). بخش شمالی بابلسر 27 متر و بخش جنوبی آن 15- متر ارتفاع دارد و دارای یک شیب عمومی از جنوب به شمال (کمتر از 0/5 و یا 5 در هزار) است. در حد شمالی این شهر دریای خزر، حد شرقی آن شهر بهمنیر، حد غربی آن شهر فریدونکنار و در حد جنوبی آن شهرستان بابل قرار گرفته است. این شهر در فاصله 62 کیلومتری ساری به عنوان مرکز استان مازندران قرار گرفته است. بابلسر دارای چهار خط ارتباطی (بزرگراه بابلسر- فریدونکنار در قسمت غرب، بزرگراه بابلسر- امیرکلا در قسمت جنوب، بلوار بهمنیر در قسمت شرق و کمربندی فریدونکنار در پیرامون جنوب غربی شهر) است و با سایر شهرهای واقع در شبکه شهری استان مازندران نوعی شبکه فشرده ارتباطی دارد. همچنین، شهر بابلسر در 249 کیلومتری شمال شرق استان تهران قرار گرفته است (همان‌جا). بر اساس سرشماری سال 1385، شهر بابلسر دارای جمعیتی معادل 50/032 نفر است (مرکز آمار، 1385) که در مقایسه با دوره پیش (با جمعیت 40/630 نفر) دارای رشد 1/23 درصدی بوده است.

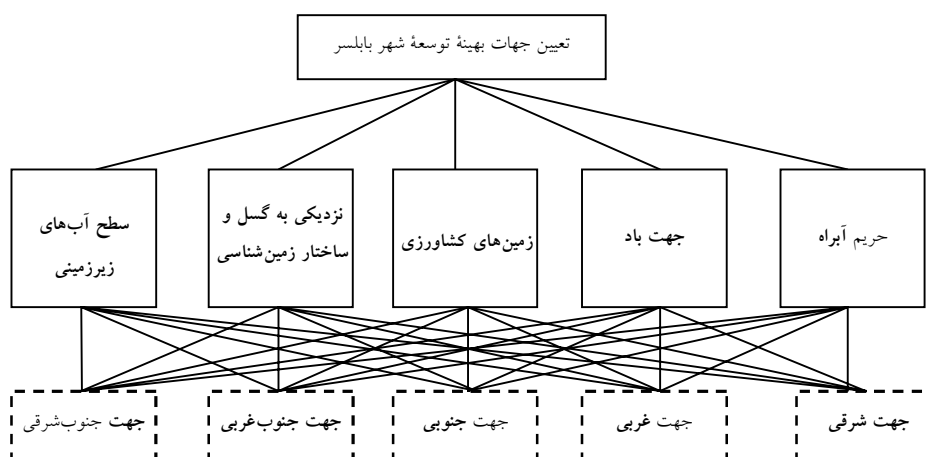


شکل 3 موقعیت سیاسی شهر بابلسر

6- فرایند اولویت‌بندی مکانی جهت بهینه توسعه شهر بابلسر

برای تعیین بهترین جهت توسعه شهر از پنج عامل مؤثر در روند رشد شهر بابلسر استفاده شده است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: سطح آب‌های زیرزمینی، نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی، زمین‌های کشاورزی، جهت باد و حریم آبراه.

به‌منظور تعیین جهت بهینه توسعه شهر، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP برای تعیین نمره هریک از شاخص‌ها استفاده شده است. تبدیل موضوع مورد مطالعه به ساختار سلسله‌مراتبی مهم‌ترین فرایند تحلیل است؛ چرا که در این قسمت با تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده، فرایند سلسله‌مراتبی آن‌ها را به شکل ساده و مطابق با ذهن انسان تبدیل می‌کند که در این تحقیق برای تعیین جهت توسعه بهینه شهر بابلسر مورد توجه است.



شکل 4 درخت سلسله‌مراتبی تعیین جهات بهینه توسعه شهر بابلسر

حال با توجه به درخت سلسله‌مراتبی، ابتدا اهمیت هریک از عوامل را به‌صورت اعدادی که در جدول شماره دو آمده است مشخص می‌کنیم. بعد از این مرحله، اعداد به‌دست آمده را به‌صورت ستونی جمع می‌کنیم. سپس اعداد هر ستون را بر حاصل جمع به‌دست آمده تقسیم کرده، بعد از آن

 عزت‌اله قنوانی و همکاران تعیین جهات بهینه توسعه شهر بر اساس ...

اعداد به دست آمده را به صورت سطری با هم جمع می‌کنیم و میانگین آن‌ها را به دست می‌آوریم. نتیجه یا عدد به دست آمده همان وزن نسبی هریک از عوامل است (جدول 3).

جدول 2 امتیاز هریک از عوامل نسبت به یکدیگر و جمع هر ستون

حريم آبراه	جهت باد	زمین‌های کشاورزی	نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی	سطح آب‌های زیرزمینی	
7	5	3	3	1	سطح آب‌های زیرزمینی
5	5	3	1	$\frac{1}{3}$	نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی
3	4	1	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{3}$	زمین‌های کشاورزی
3	1	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{5}$	جهت باد
1	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{7}$	حريم آبراه
19	15/33	7/58	4/73	2	جمع هر ستون

جدول 3 وزن نسبی هریک از عوامل

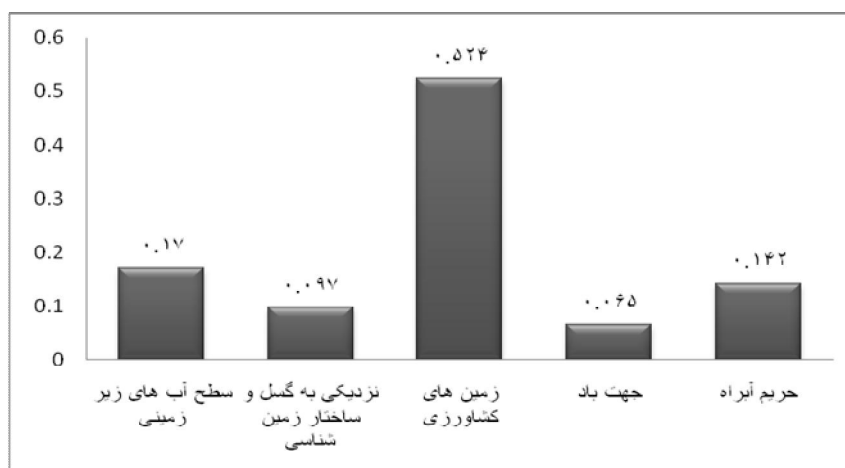
وزن نسبی	محور غربی	محور شرقی	محور جنوبی	محور جنوب غربی	محور جنوب شرقی	
$2/223 \div 5 = 0/444$	0/368	0/326	0/395	0/634	0/5	سطح آب‌های زیرزمینی
$1/361 \div 5 = 0/272$	0/263	0/326	0/395	0/211	0/166	نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی
$0/784 \div 5 = 0/157$	0/157	0/26	0/131	0/07	0/166	زمین‌های کشاورزی
$0/346 \div 5 = 0/069$	0/157	0/065	0/32	0/042	0/1	جهت باد
$0/228 \div 5 = 0/045$	0/052	0/021	0/043	0/042	0/071	حريم آبراه
	19	15/33	7/58	4/73	2	جمع هر ستون

7- تعیین جهات بهینه رشد کالبدی شهر بابلسر به روش electre

برای تعیین جهت بهینه رشد کالبدی شهر بابلسر، ابتدا وزن هریک از شاخص‌ها را با استفاده از روش آنتروپی تعیین می‌کنیم. وزن هریک از شاخص‌ها به ترتیب در جدول شماره چهار آمده است.

جدول 4 وزن هریک از شاخص‌های مورد مطالعه

سطح آب‌های زیرزمینی	نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی	زمین‌های کشاورزی	جهت باد	حریم آبراه	بردار وزن‌ها W
0.170	0.097	0.524	0.065	0.142	



شکل 5 وزن شاخص‌های مورد مطالعه

نمودار و جدول مربوط به وزن هریک از شاخص‌ها گویای آن است که در بررسی تعیین جهت توسعه شهر بابلسر، زمین‌های کشاورزی بیشترین اهمیت را دارد. در عین حال، شاخص سطح آب‌های زیرزمینی نیز دارای اهمیت زیادی است. حال بر اساس ماتریس وزن شاخص‌ها (جدول 4)، ماتریس موزون بر اساس شاخص‌ها و گزینه‌های مورد مطالعه ارائه می‌شود.

جدول 5 ماتریس موزون (V)

محور شرقی	سطح آب‌های زیرزمینی	نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی	زمین‌های کشاورزی	جهت باد	حریم آبراه
محور شرقی	0.488	0.025	0.075	0.138	0.093
محور جنوبی	0.618	0.032	0.035	0.058	0.055
محور غربی	0.385	0.060	0.059	0.443	0.056
محور جنوب‌غربی	0.318	0.050	0.117	0.090	0.027
محور جنوب‌شرقی	0.359	0.040	0.070	0.217	0.068

با توجه با ماتریس موزون به‌دست‌آمده، ماتریس‌های هماهنگی و ناهماهنگی را به‌ترتیب در جدول‌های شماره شش و هفت نشان می‌دهیم. این دو ماتریس بر اساس فرمول ارائه‌شده در بخش روش‌شناسی به شرح زیر است:

جدول 6 ماتریس هماهنگی

محور جنوب‌شرقی	محور جنوب‌غربی	محور غربی	محور جنوبی	محور شرقی	$I_{kl} = \sum_{j \in SK, l} w_j ; \sum_{j=1}^n w_j = 1$
محور شرقی	0.645	1	0.105	0	1
محور جنوبی	1	1	0	1	1
محور غربی	0.164	0	0.039	0.120	0.052
محور جنوب‌غربی	0	1	0.321	1	1
محور جنوب‌شرقی	0.365	1	0.105	0.316	0

جدول 7 ماتریس ناهماهنگی

محور جنوب شرقی	محور جنوب غربی	محور غربی	محور جنوبی	محور شرقی	$NI_{k,l} = \frac{\max_{j \in D} V_{kj} - V_{lj} }{\max_{j \in J} V_{kj} - V_{lj} }$
0.378	0.732	0.378	0.837	0	محور شرقی
0.065	0.207	0.065	0	0.162	محور جنوبی
0.686	0.829	0	0.934	0.621	محور غربی
0.267	0	0.170	0.792	0.267	محور جنوب غربی
0	0.732	0.313	0.934	0.621	محور جنوب شرقی

برای ترسیم دو ماتریس هماهنگ مؤثر و ناهماهنگ مؤثر، ابتدا باید بر اساس فرمول ذکر شده در بخش روش‌شناسی، مقادیر حد آستانه را تعیین کنیم. مقدار حد آستانه برای ماتریس هماهنگی مؤثر برابر با 0.611 و مقدار حد آستانه برای ماتریس ناهماهنگی برابر با 0.5 است.

جدول 8 ماتریس هماهنگ مؤثر (H)

محور جنوب شرقی	محور جنوب غربی	محور غربی	محور جنوبی	محور شرقی	
0	1	0	1	0	محور شرقی
0	0	0	0	0	محور جنوبی
1	1	0	1	1	محور غربی
0	0	0	1	0	محور جنوب غربی
0	1	0	1	1	محور جنوب شرقی

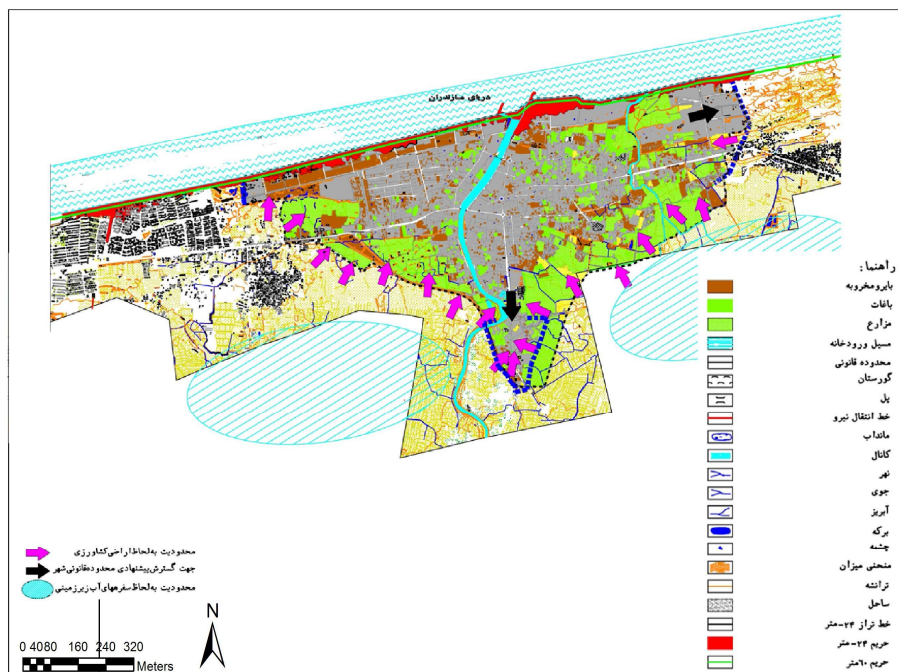
جدول 9 ماتریس ناهمبستگی مؤثر (G)

محور جنوب شرقی	محور جنوب غربی	محور غربی	محور جنوبی	محور شرقی	
0	0	0	1	0	محور شرقی
0	0	0	0	0	محور جنوبی
1	1	0	1	1	محور غربی
0	0	0	1	0	محور جنوب غربی
0	1	0	1	1	محور جنوب شرقی

همان‌طور که در جدول‌های قبل مشاهده شد، وزن عمومی هریک از گزینه‌ها به‌دست آمد. پس از این مرحله، باید طبق دسته‌بندی‌ای که پیشتر توضیح داده شد، گزینه‌ها را به‌صورت دسته‌های مشخص - برای راحتی در نشان دادن - روی نقشه دریاوریم. در جدول زیر وزن عمومی هریک از گزینه‌ها و اولویت‌ها جهت بهینه رشد کالبدی شهر بابلسر نشان داده شده که در شکل شماره شش آمده است. در روش electre در ماتریس نهایی که از آن به ماتریس بولین یاد می‌شود، ترجیح سطر بر ستون است. به عبارت دیگر، شمارش تعداد "1" به‌صورت سطری انجام می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، در روش electre، اولویت‌بندی برای تعیین جهت بهینه به‌صورت گروهی انجام می‌شود. با توجه به جدول شماره یازده، محور غربی در اولویت گروهی نخست، محور شرقی در اولویت گروهی دوم و سایر محورها در اولویت سوم جهت رشد کالبدی شهر بابلسر قرار دارند.

جدول 10 ترتیب اولویت جهت تعیین جهات بهینه رشد کالبدی شهر بابلسر

اولویت جهت بهینه توسعه	محور جنوب شرقی	محور جنوب غربی	محور غربی	محور جنوبی	محور شرقی	
2	0	0	0	1	0	محور شرقی
3	0	0	0	0	0	محور جنوبی
1	1	1	0	0	0	محور غربی
3	0	0	0	0	0	محور جنوب غربی
3	0	0		0	0	محور جنوب شرقی



شکل 6 تعیین جهات بهینه توسعه شهر بابلسر به روش AHP و Electre

8- بحث و نتیجه‌گیری

محدودیت منابع و ابعاد اکولوژیک راه را بر هرگونه استفاده نابجا از طبیعت بسته است. رشد بی‌هدف و ناموزون شهرهای ایران - که نخستین بار با تخریب دیوارهای تهران قدیم در دوران رضاخان آغاز شد - به تخریب وسیع زمین‌هایی منجر شد که از آن در مفاهیم نظری مطالعات شهری به محیط پشتیبان شهر یا سیستم شهر یاد می‌شود. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بخش چشمگیری از زمین‌های پیرامون شهر جزء زمین‌های کلاس یک و یا دو باشند. در این صورت، تدوین سازوکاری برای تعیین جهت بهینه رشد شهر با حداقل جلوگیری از تخریب زمین‌های کشاورزی اهمیتی دوچندان می‌یابد.

بر اساس یافته‌های این مقاله، شهر بابلسر به‌عنوان یکی از شهرهای شمالی کشور با قرارگیری در پسرانه زمین‌های کشاورزی، در فرایند رشد و توسعه کالبدی خود بخش



زیادی از زمین‌های کشاورزی را به زیر توسعه برده است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، در کنار کشاورزی بودن زمین‌ها، می‌توان بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی را نیز یکی از خطرهای آسیب‌ها در رشد کالبدی شهر بابلسر دانست که در دهه‌های پیش به‌علت ارزان بودن زمین، در این دست زمین‌ها (محدوده جنوب شرق و جنوب غرب) ساخت‌وساز وسیعی صورت گرفته است.

بر مبنای اولویت‌بندی صورت‌گرفته از شاخص‌ها و تعیین وزن آن‌ها بر اساس جدول نه‌کمیتی، به‌ترتیب شاخص‌های سطح آب‌های زیرزمینی، نزدیکی به گسل و ساختار زمین‌شناسی، زمین‌های کشاورزی، جهت باد و حریم آبراه دارای بالاترین اهمیت هستند. نتایج به‌دست آمده از بررسی وزن هریک از شاخص‌ها نشان می‌دهد شاخص مربوط به زمین‌های کشاورزی در تعیین جهت بهینه توسعه شهر بابلسر اهمیت بسیاری دارد. علت آن هم این است که درصد چشمگیری از زمین‌های موجود در پیرامون شهر بابلسر در رده زمین‌های کلاس 1 و 2 هستند و این مسئله بر ضریب اهمیت این شاخص افزوده است. از سوی دیگر، سطح آب‌های زیرزمینی شاخص دیگری است که در رتبه بعدی اهمیت قرار دارد. نتایج بررسی‌های زمین‌شناسی نشان می‌دهد نزدیک به 90 درصد از زمین‌های شهر بابلسر در پهنه لغزان آبی قرار گرفته‌اند. بنابراین، این مسئله نه‌تنها به افزایش هزینه ساخت‌وساز منجر شده؛ بلکه استانداردهای بهداشتی و به‌ویژه بیماری‌های رطوبتی را افزایش داده است. از این‌رو، درنظر گرفتن جهت و مسیر توسعه‌ای که این شاخص در آن در بهترین حالت قرار گیرد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

با توجه به شاخص‌های موردبررسی حول محور تعیین جهات بهینه توسعه شهر بابلسر، دو محور غربی و شرقی بر مبنای وزن به‌دست‌آمده از شاخص‌های پنج‌گانه دارای اولویت نخست در هدایت جهت توسعه شهر بابلسر هستند. دو محور جنوب‌غربی و جنوب‌شرقی از مناطق بحرانی در ساخت‌وساز به‌شمار می‌آیند. این دو محور با اینکه دارای سطوح بالای آب‌های زیرزمینی و ساختار زمین‌شناسی سست هستند و در محور آبراه قرار دارند، به‌دلیل ارزان بودن زمین و فاصله از دریا مورد هجوم ساخت‌وساز قرار گرفته و بخش قابل‌توجهی از زمین‌های کشاورزی را تخریب کرده‌اند.

9- منابع

- آذر، عادل و حجت فرجی، علم مدیریت فازی، تهران: اجتماع، 1381.
- اصغری‌پور، محمدجواد، تصمیم‌گیری چندمعیاره، چ 6، انتشارات دانشگاه تهران، 1387.
- امیراحمدی، ابوالقاسم، پهنه‌بندی زمین لغزشی در دامنه‌های شمالی شاه‌جهان با استفاده از GIS، پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تربیت معلم تهران، 1385.
- حسام، مهدی، اثرات زیست‌محیطی گسترش افقی شهر گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، 1389.
- رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه‌حسینی، فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: سمت، 1387.
- زبردست، اسفندیار، «کاربرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، فصلنامه هنرهای زیبا، ش 10، صص 13-21، 1380.
- سرور، رحیم، «استفاده از روش AHP در مکان‌یابی جغرافیایی»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش 49، 1383.
- سلیمانی‌مقدم، هادی، بررسی تحولات کالبدی شهر مشهد برای تعیین جهات بهینه گسترش آتی آن با استفاده از RS-GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم تهران، 1386.
- شکوئی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: سمت، 1373.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، «مکان‌یابی واحدهای خدمات بازرگانی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش 51، ص 54، 1384.
- کرم، عبدالامیر، «تحلیل تناسب زمین برای توسعه کالبدی در محور شمال‌غرب شیراز با استفاده از رویکرد ارزیابی چندمعیاری (MCE) در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی (ساج - GIS)»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش 54، صص 93-106، 1384.
- مخدوم، مجید، شالوده آمایش سرزمین، انتشارات دانشگاه تهران، 1372.
- مظفری، غلامعلی و انور اولی‌زاده، «بررسی وضعیت توسعه فیزیکی شهر سقز و تعیین جهات بهینه توسعه آتی آن»، مجله محیط‌شناسی، س 34، ش 47، ص 11، 1387.

- مؤمنی، منصور، مباحث نوین تحقیق در عملیات، چ 2، انتشارات دانشگاه تهران، 1387.
- نظریان، علی‌اصغر و سیمین تولایی، «تعیین جهت توسعه فیزیکی شهر اندیشک با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای (RS) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، س 3، ش 9، ص 34، 1385.
- وزارت مسکن و شهرسازی، طرح جامع شهر بابلسر، سازمان مسکن و شهرسازی شهرستان بابلسر، 1384.
- Belton, V. & J. Stewart, *Multiple Criteria Decision Analysis- An Integrated Approach*, London: Kluwer Academic Publishers, 2002.
- Bown, W. M., "AHP; Multiple criteria evaluation" in R. Klosterman et al. (Eds.), *Spreadsheet models for urban and regional analysis*, New Brunswick: center for urban policy research, 1993.
- Cavallaro, Fausto, "A comparative assessment of thin-film photovoltaic production processes using the ELECTRE III method", *Energy Policy*, No. 38, Pp. 463-474, 2010, journal homepage: www.elsevier.com/locate/enpol, doi:10.1016/j.enpol.2009.09.037.
- Cuhls, Kerstin, Blind, Knut und Grupp, Hariolf, "Innovations for our Future. Delphi '98: New Foresight on Science and Technology", *Technology, Innovation and Policy, Series of the Fraunhofer Institute for Systems and Innovation Research*, ISI No. 13, Physical Heidelberg, Pp. 15ff, 2002.
- Dalkey, N. C., "The Delphi Method: An Experimental Study of Group Opinion", *prepared for United States Air Force Project Rand, Santa Monica*, 1969.

- Diakoulaki, D. Y., "Kormentza & V. Hontou, An MCDA approach to burden-sharing among industrial branches for combating climate change", *Paper Presented at the 51th Meeting of the European Working Group on MCDA*, Madrid, 30-31 March 2000.
- Eldin, N. & K. A. Eldrandaly, "computer-aided system for site selection of major capital investment", *international conference e-design in architecture dhahran, saudiarabiadecember*, 2004.
- Eto, H., "The suitability of technology forecasting/ foresight methods for decision systems and strategy", *A Japanese view, in Technological Forecasting and Social Change*, No. 70, Pp. 231-249, 2003.
- Figueira, J., V. Mousseau & B. Roy, "ELECTRE methods" in J. Figueira, S. Greco & M. Ehrgott (Eds.), *Multiple Criteria Decision Analysis-state of the Art, Surveys, Springer-Verlag, Boston, Dordrecht*, London, Pp. 133-153, 2005.
- Gupta, A. & A. Rafi, "Geomorphology and Urban Tropics", *Geomorphology*, No. 31, Pp. 133-149, 1999.
- Hashiba, H. et al., "Analysis Land-use Change in Periphery of Tokyo During Last Twenty Years Using the same Seasonal Land Sat", *DATA*, Vol. 22, No. 5, Pp. 681-684, 1998.
- Montano-Guzman, L., "Une methodologie d_aide multicrit_ere a la decision pour la diagnostique de l_entreprise", *Paper Presented at the 51th Meeting of the European Working Group on MCDA*, Madrid, 30-31 March, 2000.

- Pardalos, P. M., Y. Siskos & C. Zopoudinis, "Advances in Multicriteria Analysis", *Kluwer Academic Publishers*, Dordrecht, Holland, 1995.
- Saaty, T. L., *Decision making for leaders*, USA, RWS, Publications, 1990.
- Tahsin, Y. & D. Parker, *4th Curpian, Conference on GIS*, Vole. I.
- Ulbrich, K. A. & W. D. Heckendorff, "Satellite Image for Recognition of Landscape and Land use Changes. ISPRS", *Journal of Photogrammetry @ Remote Sensing*, No. 53, Pp. 235-243, 1998.